

مقبره فردوسی از توس تا سیحون، از دیروز تا امروز

محمد همتی^۱

چکیده

حکیم ابوالقاسم فردوسی شاعر پر آوازه ایرانی، حافظ و نگهبان زبان پارسی و فرهنگ ایرانی است. پس از درگذشت این شاعر بزرگ ایران زمین، در مقاطع گوناگون تاریخی، ابنیه و عمارت‌های خاصی در کنار مزار وی از سوی افراد مختلف احداث گردید. اهمیت شناخت این ابنیه و نیز استمرار توجه به مقبره این شاعر بزرگ تا دوران معاصر سبب شد تا پژوهش حاضر پیرامون شناخت و بررسی این بناها شکل بگیرد. بدین ترتیب تلاش شد تا با بررسی منابع تاریخی و نیز اسناد و مدارک دوران معاصر، سیر تغییر و تحول آرامگاه فردوسی شناسایی شود. از مقاطع مهمی که به مقبره فردوسی توجه شد دوران پهلوی اول است که از مرحله تصمیم برای ساخت مقبره تا طراحی و ایجاد بنا اختلاف نظرات فراوانی وجود داشته است که در این مقاله موضوعات مهم پیرامون این موضوع مورد بررسی قرار گرفته است.

واژگان کلیدی: فردوسی، مقبره، آرامگاه، معماری، هوشنگ سیحون.

مقدمه

حکیم ابوالقاسم منصور بن حسن فردوسی، حماسه‌سرای بزرگ ایران زمین، شاعر شهیر عالم، اختر درخشان سپهر ادب و ادبیات زبان پارسی و از مفاخر نامدار مردم ایران است. به سبب دارا بودن همین عظمت مقام و جایگاه رفیع، پیشینه‌اش همچون بزرگان دنیای قدیم با افسانه و روایات گوناگون عجین گشته است. نظامی عروضی سمرقندی صاحب کتاب چهارمقاله که یکصد سال پس از فردوسی می‌زیسته است در کتاب خود، شاعر توس را حکیم ابوالقاسم فردوسی نام برده و حمدالله مستوفی مولف کتاب تاریخ گزیده، او را حسن بن علی طوسی یاد کرده است.

دولتشاه سمرقندی ادیب قرن نهم قمری در کتاب تذکره الشعراء خود حکیم توس را با نام حسن بن اسحق بن شرفشاه نام می‌برد و رضا قلی خان هدایت نویسنده کتاب مجمع الفصحا که از متأخرین و در حدود سال ۱۳۰۰ ق. زندگی می‌کرده از او با شهرت حکیم ابوالقاسم حسن بن اسحق بن شرفشاه محمد بن منصور فخرالدین احمد مولانا فرج الفردوسی یاد کرده است. بنابر اعتقاد راقم مجمع الفصحا نام شاعر نامدار ایران زمین، منصور و کنیه‌اش ابوالقاسم بوده و آنچه تا حدودی به یقین نزدیک است این است که کنیه او ابوالقاسم و تخلصش فردوسی بوده است.

ابنیه مربوط به آرامگاه فردوسی

بر اساس گزارشی تاریخی در دیباچه نسخه‌ای مختصر از شاهنامه که در برلین صیانت می‌شود، ابوالحارث ارسلان جاذب، حاکم توس بر مرقده فردوسی قبه‌ای می‌سازد.^۱ آنچه ارسلان جاذب بر مزار فردوسی بنا کرده بود، تا سال ۵۱۰ ق. که نظامی عروضی نویسنده و شاعر قرن ششم از آن دیدن کرد، برپا بود. ظاهراً بنای آرامگاه به هنگام فتنه غزان در اواسط قرن ۶ ق. و حمله لشکریان چنگیز خان مغول و پسرش تولوی به توس در سال‌های ۶۱۷ و ۶۱۸ ق. همچنان

۱ - محمد امین ریاحی، سرچشمه‌های فردوسی‌شناسی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۸۲، ص ۳۵۷.

مقبره فردوسی از توس تا سیحون، از دیروز تا امروز ۶۵

پابرجا بود، چرا که بنابر مقدمه شاهنامه بایسنقری، وقتی گرگوز، امیر مغول، حاکم توس شد برای ساخت قلعه‌ای در این شهر، بنای آرامگاه را ویران نمود و آلات و مصالح آن را برای ساخت عمارت قلعه خود به کار بست.

دولت‌شاه سمرقندی در سال ۸۹۲ اینگونه روایت می‌کند که «الیوم مرقد شریف او متعین است و زوّار را بدان مرقد التجاست». پیش از آن بارها مدفن فردوسی از سوی بدخواهان و کینه‌توزان وی از جمله عبیدالله خان ازبک ویران و بر قبر او زراعت شده بود. علیرغم ویرانی‌های مکرر توس به دست ترکان، مغولان، ازبکان و تیموریان، مرقد فردوسی همچنان مکانی قابل احترام باقی ماند.

پس از آن، در زمان حکومت غازان خان، امیر ایسن قتلغ که حوالی توس جزء اموال و تیول وی بود، بر سر مزار فردوسی به ساخت عمارتی اقدام کرد؛ ولی ابتدا خواست تا خانقاهی در کنار مرقد او بنا کند. هنوز خانقاه به اتمام نرسیده بود که امیر ایسن قتلغ درگذشت و عمارت به سرانجام نرسید. با این همه در سال‌های بعد قبر فردوسی همچنان معلوم بود، زیرا حمدالله مستوفی در کتاب نزه القلوب (تاریخ تألیف ۷۴۰ق) به مزار فردوسی در کنار قبر امام محمد غزالی و معشوق توسی بر جانب شرقی اشاره کرده است. حدود سال ۱۰۰۰ق. قاضی نورالله شوشتری نوشته است که مخصوصاً شیعه امامیه، زیارت او را به جای می‌آوردند و راقم حروف نیز به شرف زیارت او مشرف و فائز شده است.^۱

بیش از ۲۰۰ سال بعد، در سال ۱۲۳۶ق. فریزر انگلیسی، مامور کمپانی هند شرقی، قبر فردوسی را مزاری محقر با گنبدی کوچک مزین به کاشی‌کاری، در میانه ویرانه توس توصیف می‌کند.^۲ به موجب گزارش کرزن، سیاستمدار انگلیسی، مزار فردوسی با همان تعاریفی که

۱ - ریاحی، همان، ص ۳۹۵.

۲ - علیرضا شاپور شهبازی، «آرامگاه فردوسی»، ترجمه سلمان ساکت، کتاب ماه ادبیات، ۱۳۸۸، شماره ۱۳۹، ص ۲۷.

۶۶ فصلنامه علمی-تخصصی پژوهش در تاریخ

فریزر بیان کرده بود، تا حدود سال ۱۲۵۴ق. هویدا بود، اما پس از آن تدریجاً همان گنبد کوچک نیز از میان رفت و مزار فردوسی به گندمزار بدل شد.^۱

در دوره ناصری و به امر وی، آصف الدوله شیرازی، والی خراسان مأموریت یافت تا قبر فردوسی را بیابد. او به مدد و راهنمایی چند تن فرانسوی که به توس رفته بودند، مزار شاعر را پیدا کرد و برای احداث عمارتی در خور و شایسته حکیم توس، به طور موقت، دو اتاق بر روی قبر بنا کرد، اما دیری نپایید که از حکومت خراسان برکنار شد و از این رو نتوانست ساخت بنا را به پایان رساند.^۲

در دوره پهلوی اول پس از احداث مقبره فردوسی، بر روی سنگ مرمر مزار او به خط نستعلیق و به انشای محمد علی فروغی اینچنین نوشته شد: «این مکان نظر به بعضی قرائن و اطلاعات به ظن قوی مدفن حکیم ابوالقاسم فردوسی ناظم کتاب شاهنامه و داستان یوسف و زلیخا است که در نیمه اول قرن چهارم هجری در قریه «پاژ» واقع در جنوب غربی توس ولادت و ظاهراً در چهارصد و یازده یا چهارصد و شانزده قمری در توس وفات یافته، و چون جهل و غوغای عوام مانع شد که او را در قبرستان به خاک بسپارند در این مکان که باغ شخصی او بوده است مدفون گردید».^۳

تأسیس انجمن آثار ملی

پس از جنگ جهانی اول و اشغال ایران به دست نیروهای متخاصم و بالا گرفتن احساسات ملی در سطح کشور، در مجامع و مطبوعات، لزوم ساخت آرامگاهی برای فردوسی مطرح شد. نخستین زمزمه‌های تعظیم و تکریم حکیم توس را ملک الشعرای بهار سر داد آنگونه که وی در سال ۱۲۹۹ش. با نگارش مقاله‌ای در هفته‌نامه نوبهار از ضرورت ساخت مقبره‌ای در خور مقام

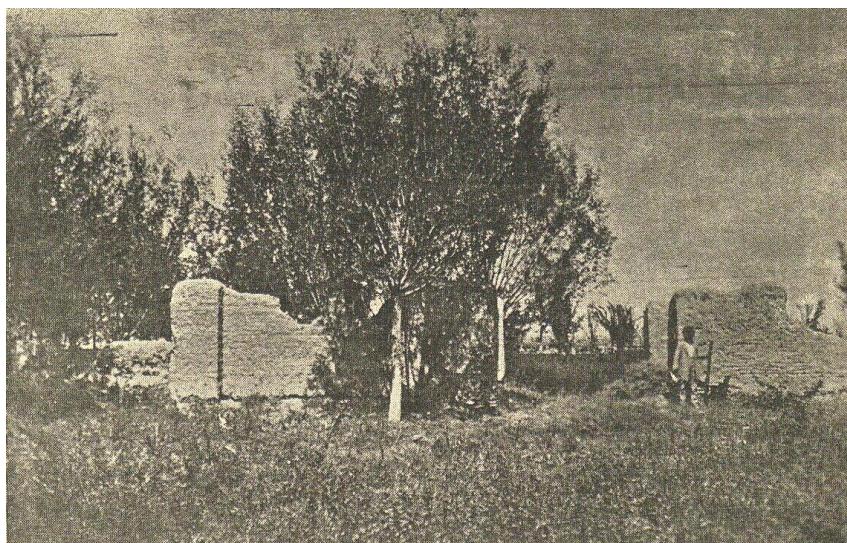
۱ - جورج ناتانل کرزن، ایران و قضیه ایران، ترجمه، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۸۰، ص ۲۴۱.

۲ - شاپور شهبازی، «آرامگاه فردوسی»، ص ۲۷.

۳ - سید رضا عظیمی حسینی، «سیری در خرد و اندیشه حکیم ابوالقاسم فردوسی»، روزنامه اطلاعات، ۱۳۹۳، شماره ۲۶۰۱۸.

مقبره فردوسی از توس تا سیحون، از دیروز تا امروز ۶۷

و منزلت فردوسی سخن راند و با زیرکی تلاش کرد تا به رضاخان اینگونه القاء نماید که اثبات ملی‌گرایی‌اش در گرو ساخت آرامگاه فردوسی می‌باشد. او حتی با لحنی تند دولتمردان و روسای نظام را اینگونه مورد خطاب قرار داد: «در غیر اینصورت ما مردم خراسان آن بنا را خواهیم ساخت».^۱



تصویر ۱: آرامگاه فردوسی پیش از آغاز بازسازی

با گسترش اندیشه احیای گذشته ایران زمین و به منظور نگهداری و تعمیر ابنیه قدیمی و تاریخی، با تلاش گروهی از رجال برجسته کشور در سال ۱۳۰۱ ش. تشکیلاتی با عنوان «انجمن آثار ملی» شکل گرفت. از جمله اعضای این انجمن محمدعلی فروغی نخست وزیر، ارباب کیخسرو شاهرخ نماینده زرتشتیان در مجلس شورای ملی، سید حسن تقی‌زاده از رجال سیاسی، تیمورتاش وزیر دربار، مشیرالدوله پیرنیا، نظام‌الدین حکمت و شاهزاده فیروز میرزا

۱ - شاپور شهیازی، «آرامگاه فردوسی»، ص ۲۷؛ سلمان ساکت، فرزانه توس، تهران: انتشارات همشهری، ۱۳۸۹، ص ۱۱۰.

۶۸ فصلنامه علمی-تخصصی پژوهش در تاریخ

بودند.^۱ دستگاه فرهنگی حکومت نوپای پهلوی دریافته بود که شناختن و شناساندن بزرگان ایران زمین و گذشته درخشان آن سبب افتخار و سرافرازی کشور خواهد شد. از اینرو انجمن آثار ملی ضمن همکاری با باستان‌شناسان اروپایی در تنظیم و هماهنگی برنامه‌های آنها، در انجام حفاریات و کاوشهای علمی باستان‌شناسی نیز مساعدت لازم را به عمل می‌آورد.^۲

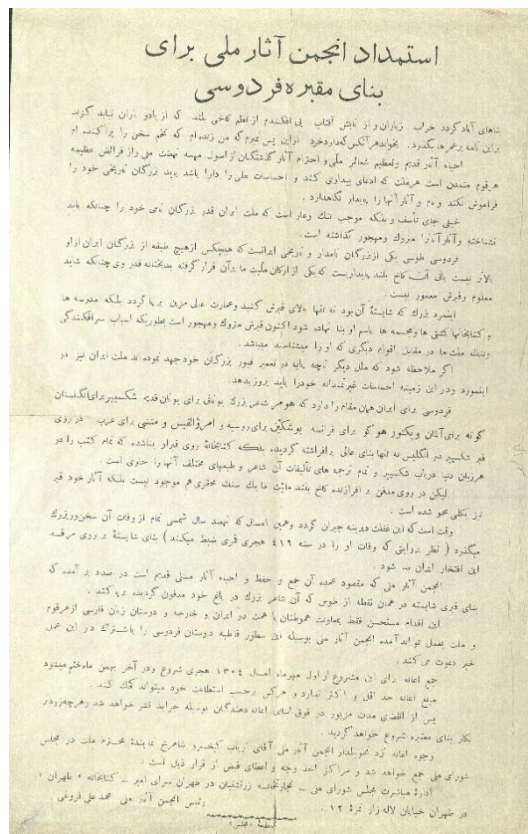
انجمن آثار ملی در نخستین اهتمام جدی خود در سال ۱۳۰۴ ش. در صدد برآمد تا از مقام و جایگاه رفیع فردوسی با ساخت آرامگاهی باشکوه تجلیل نماید. از اینرو با انتشار اعلامیه‌ای تحت عنوان «دخمه فردوسی استمداد برای بنای آن» قصد خود را از ساخت آرامگاه اعلام نمود و عموم مردم ایران را برای شرکت در این امر دعوت کرد. انجمن در این اطلاعیه با یادآوری این نکته که بزرگداشت آثار گذشتگان بر هر ملت متمدنی واجب است ابراز تأسف خود را از آباد نبودن مزار کسی که کاخ ملیت ایران را برافراشته اینگونه اعلام نمود: «هیچکس از هیچ طبقه از بزرگان ایران از او بالاتر نیست و او بانی آن کاخ بلند ناپایدار است که یکی از ارکان ملیت ایران روی آن قرار گرفته و بدبختانه قدر وی چنانکه شاید معلوم و قبرش معمور نیست». ^۳ در ادامه این اعلامیه، انجمن آثار ملی زمان جمع‌آوری کمک‌های مردمی را از آغاز مهر سال ۱۳۰۴ تا پایان بهمن ماه همان سال اعلام می‌نماید و میزان حداقل و حداکثری برای آن تعیین نمی‌کند تا عموم افراد در این امر ملی سهیم شوند و به میزان توانایی خود در انجام آن همکاری نمایند.

۱ - مجله ایرانشهر، ۱۳۰۴، شماره ۱۰.

۲ - علی‌رضا اسماعیلی، «معماری دوره پهلوی به روایت اسناد»، گلستان هنر، بهار ۱۳۸۵، شماره ۳.

۳ - ارمغان، ۱۳۰۴، شماره ۳ و ۴.

مقبره فردوسی از توس تا سیحون، از دیروز تا امروز ۶۹



تصویر ۲: اعلامیه استمداد انجمن آثار ملی برای بنای مقبره فردوسی

در نخستین کابینه دولت رضا شاه در بهمن سال ۱۳۰۴ ش. که فروغی ریاست آن را بر عهده داشت لایحه‌ای به مجلس شورای ملی ارائه شد که به موجب آن به وزارت دارایی اجازه داده می‌شد تا تمبری به نام فردوسی منتشر و درآمد خالص آن را به ساخت آرامگاه فردوسی اختصاص دهد. انجمن علاوه بر فراخوان عمومی از بازرگانان و افراد متمول جهت تأمین هزینه‌های ساخت آرامگاه فردوسی کمک خواست. عیسی صدیق مدیر مدرسه متوسطه سیروس و معلم دارالفنون نیز با توزیع قبض‌های اعانه مبلغی در حدود ۱۳۰۰ تومان از دانش آموزان جمع‌آوری نمود. یکی دیگر از راهکارهای انجمن به منظور جذب کمکهای عمومی و افزایش

۷۰ فصلنامه علمی-تخصصی پژوهش در تاریخ

اعتبارات، برگزاری نمایش در شهرستانها و تخصیص عایدات حاصل از آن برای ساخت آرامگاه بود. مجلس شورای ملی نیز در دو مرحله جهت احداث مقبره فردوسی مساعدت مالی نمود که مبلغ ۱۰ هزار تومان از محل صرفه‌جویی اعتبارات خود در ابتدای انجام کار و مبلغ ۱۰ هزار تومان دیگر در اواسط کار به این امر اختصاص یافت. کلیه وجوه پرداختی نزد ارباب کیخسرو نماینده زرتشتی مجلس شورای ملی که تحویلدار و خزانه‌دار امین انجمن آثار ملی نیز بود ثبت و ضبط گردید، علاوه بر آن نام کلیه افراد شرکت کننده در این امر خطیر در جراید منتشر شد.^۱

مقدمات ساخت آرامگاه

انجمن آثار ملی در بهار سال ۱۳۰۵ ش. هیاتی را به سرپرستی ارباب کیخسرو شاهرخ، خزانه‌دار انجمن مأمور شناسایی محل دقیق مزار فردوسی در توس می‌نماید. با مساعدت محمود جم والی خراسان، امان‌الله جهانبانی فرمانده لشکر شرق، محمدولی نایب‌التولیه آستان قدس و معماران توس، کیخسرو شاهرخ موفق به شناسایی و یافتن محل مدفن حکیم توس می‌شود. حاج میرزا محمدعلی قائم مقام رضوی، مالک اراضی زراعی اسلامی پس از محرز شدن مدفن فردوسی در زمینهای مزروعی اش، این قطعه زمین کشاورزی را که بالغ بر ۲۳۰۰۰ متر مربع بود در سال ۱۳۰۶ ش. به انجمن هبه نمود. در ادامه نیز فرزندان ملک‌التجار ۷۰۰۰ متر مربع از اراضی جنب این مزرعه را اهدا کردند تا به این ترتیب زمینی در حدود سه هکتار به این کار اختصاص یابد.^۲

ارنست هرتسفلد آلمانی که در کشفیات باستان‌شناسی ایران فعالیت مستقیم داشت و از اعضای افتخاری انجمن آثار ملی محسوب می‌شد، نخستین طرح آرامگاه فردوسی را ترسیم و ارائه کرد. این طرح گنبدی شباهت زیادی با آرامگاههای مذهبی ایران داشت که در همان ابتدا با بازخورد منفی اعضای انجمن روبرو شد چرا که انجمن از همان آغاز در صدد بود تا بنایی به سبک و سیاق معماری پیش از اسلام برپا کند. بنای آرامگاه فردوسی جزء نخستین بناهایی بود که

۱ - علی‌رضا اسماعیلی، همان، صص ۱۰۴-۱۰۵.

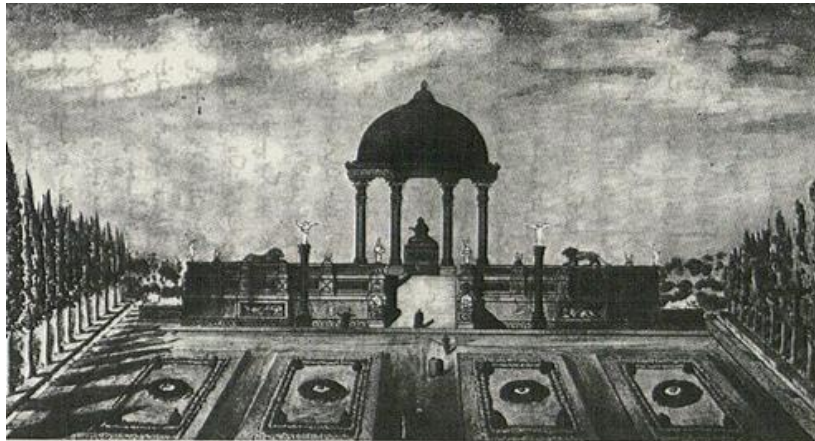
۲ - علی‌رضا اسماعیلی، همان، صص ۱۰۱-۱۰۲.

مقبره فردوسی از توس تا سیحون، از دیروز تا امروز ۷۱

می‌بایست براساس گرایش به معماری دوره باستان ایران ساخته می‌شد و طراحی و ساخت این بنا درست در زمانی صورت می‌گرفت که باستان‌گرایی در ایران به اوج خود رسیده بود، از اینرو این بنا به‌عنوان نخستین بنای یادمان حکومت پهلوی می‌بایست بیانگر ایدئولوژی و آرمانهای دوران خود می‌بود.

تیمورتاش وزیر دربار رضا شاه، مرد کلیدی، مورد وثوق و قدرتمند آن روزگار نیز بر این عقیده بود که باید خدمات فردوسی برای حفظ یکپارچگی ایران و ایجاد وحدت ملی ایرانیان را با خدمات و کوششهای کوروش کبیر مشابه و برابر دانست و از اینرو مزارش نیز باید شبیه آرامگاه آن شاهنشاه کبیر باشد.

به‌منظور آغاز ساخت مقبره فردوسی ارباب کیخسرو شاهرخ که مسئولیت احداث مقبره را بر عهده گرفته بود به ملاقات کریم طاهرزاده بهزاد از معماران ایرانی بنام آن دوران رفت و از وی درخواست کرد تا طرحی را برای ساخت آرامگاه تهیه و ارائه نماید. بهزاد از این پیشنهاد استقبال کرد و چندی بعد در شهر مشهد در جلسه‌ای که در آن نایب‌التولیه آستان قدس و مسئولان شهر حضور داشتند طرح اولیه خود را ارائه و معرفی نمود.^۱



تصویر ۳: طرح اولیه بهزاد برای آرامگاه فردوسی که در سال ۱۳۰۴ در نشریه ایرانشهر چاپ شد.

نقشه ترسیمی بهزاد در آن جلسه مورد توجه و اقبال قرار نگرفت. از اینرو بهزاد بدون کسب نتیجه به تهران بازگشت و موضوع را در انجمن آثار ملی مطرح کرد. انجمن پس از مذاکرات طولانی اظهار داشت اگر طرح پروفیسور هرتسفلد که از اعضای برجسته و افتخاری آن می‌باشد کنار گذاشته شود و در مقابل طرح بهزاد عملیاتی گردد این اقدام انجمن در واقع توهین به خود تلقی خواهد شد. بنابراین هر دو طرح کنار گذاشته و مردود شد و مقرر گردید انجمن از همه مهندسين خارجی و ایرانی دعوت نماید تا در مسابقه طراحی آرامگاه فردوسی شرکت کنند. در این مسابقه هرتسفلد آلمانی، آندره گدار فرانسوی، مارکوف روسی و بهزاد که نسبت به گذشته باستانی ایران شناخت داشتند نیز هر کدام طرحی را ارائه کردند و در نهایت طرح ترسیمی بهزاد در مسابقه برنده شد. البته طرح اولیه بهزاد از آرامگاه فردوسی پیش از آن در سال ۱۳۰۴ ش. در نشریه ایرانشهر، چاپ برلین معرفی شده بود تا اگر کسی در این خصوص پیشنهادی جهت اصلاح داشت ارائه نماید. این طرح نمایانگر شکوه و عظمت بنا با ارجاع به گذشته باستانی ایران و متأثر از حجم‌های باستانی معماری ایران از جمله معماری دوران مادها و دوره هخامنشی بود که در تزئینات و موتیف‌های آن از ستونهای پرسپولیس الهام گرفته شده بود.^۱

۱ - بیژن شافعی، معماری طاهرزاده بهزاد، تهران: انتشارات دید، ۱۳۸۴، ص ۵۵.

مقبره فردوسی از توس تا سیحون، از دیروز تا امروز ۷۳

طرح اولیه بهزاد از آرامگاه فردوسی در نشریه ایرانشهر اینچنین توصیف شده است: «این نقش، باغ دلگشایی را نشان می‌دهد که در وسط آن محوطه مدوری که با چند پله بالای آن می‌آیند واقع و در میان آن هم گنبدی با چهارستون که قبر فردوسی را در آغوش خود گرفته بر پاشده است. در روی قبر نیز مجسمه آن شاعر بی‌نظیر در حالتی که شاهنامه در دست دارد دیده می‌شود. در دو طرف پله آخری که به محوطه می‌رسد مجسمه دو سلحشور به طرز قدیم و همچنین در گوشه‌های محوطه نیز دو سلحشور با لباسها و زره‌ها و آلات رزم دیده می‌شود. سپس دو ستونی که از زمین باغ بلند شده و بالای هریک از آنها فرشته‌ای ایستاده نمایان است و بعد در روی دیوار محوطه از هرطرف یک شیر که یکی نشسته و دیگری ایستاده است به نظر می‌رسد. در دیوارهای طرفین پله از طرف پایین دو مربع مستطیل دیده می‌شود که در وسط آن میدان جنگ و یا شکارگاه نقش شده است و بالای اینها مستطیل‌های دیگر متعددی است که اسامی اعانه‌کنندگان در آنجا حک خواهند شد».

هیتی که از طرف انجمن آثار ملی مأمور بررسی طرح‌های پیشنهادی شده بود در مهرماه سال ۱۳۰۸ ش. طرح بهزاد را تصویب و به اطلاع وی رساند. بهزاد بلافاصله به سمت مشهد حرکت کرد و عملیات ساخت آرامگاه در توس را با کاوش در کوه‌های خراسان به منظور یافتن معادن سنگ مرمر آغاز نمود. چند ماهی از شروع انجام کار بر اساس نقشه بهزاد نگذشته بود که سید حسن تقی‌زاده والی جدید خراسان طی نامه‌ای به ارباب کیخسرو متولی ساخت آرامگاه از وضع ناخوشایند ساختمان خبر داد. همچنین مقالاتی نیز در روزنامه آزادی، علیه جریان مقبره فردوسی چاپ شد. بهزاد به همراه ارباب کیخسرو بلافاصله به مشهد عزیمت کردند تا از نزدیک از روند احداث بنا آگاه شوند. ارباب کیخسرو پیشرفت ساخت آرامگاه را راضی‌کننده ندانست و در خاطرات خود در این خصوص چنین می‌نویسد: «در ورود به مشهد و رفتن به توس دیدم مبالغی خرج شده و جز شفته‌کاری زیر بنا و تهیه قدری سنگ‌های بی‌استقامت سست، کار دیگری نشده و شفته‌کاری به طوری سست بود که من با پنجه آنها را می‌کندم. از طرفی هر قدر از آقای طاهرزاده بهزاد توضیح می‌خواستم که به چه نحو این ساختمان انجام

۷۴ فصلنامه علمی-تخصصی پژوهش در تاریخ

خواهد شد که از دوام آن اطمینان حاصل باشد، چون نتوانست جواب قانع کننده‌ای بدهد، لهذا از نقشه طاهرزاده بهزاد و مداخله مشارالیه صرف نظر شد».^۱

ارباب کیخسرو پس از ارائه گزارش خود به انجمن آثار ملی درخواست کرد تا طرحی نو در این خصوص در اسرع وقت تهیه و عملیاتی شود. بهزاد در اعتراض به روند باز پس گیری طرح وی از سوی انجمن، نامه‌ای به تیمورتاش نوشت و در آن نامه از شایستگی طرحش در برابر سایر طرحها دفاع کرد و از اینکه مبلغی در حدود هفت هزار تومان جهت تهیه بهترین مرمرها و پی‌سازی هزینه شده است و با تغییر طرح عملاً سنگها بلااستفاده و کلیه هزینه‌ها بی‌نتیجه می‌ماند گله کرد. بهزاد همچنین از انجمن آثار ملی درخواست کرد تا طرح مصوب خود را محترم شمرده و با ادامه کار وی موافقت نماید. اعتراض بهزاد از سوی تیمورتاش و انجمن آثار ملی موثر واقع نشد و از اینرو ترسیم طرح و نقشه جدید از بنای آرامگاه فردوسی به آندره گدار فرانسوی دیگر عضو افتخاری انجمن واگذار گردید.^۲

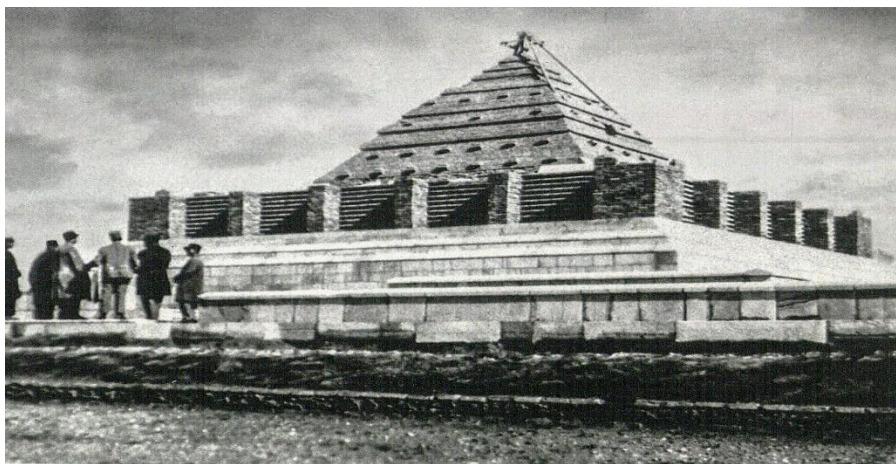
طرح هرمی شکل آندره گدار در همان ابتدا با مخالفت انجمن آثار ملی مواجه شد و محمدعلی فروغی در مقام مخالف چنین گفت: «ما عرب نیستیم که اهرام بسازیم و بهتر است طرح آرامگاه فردوسی یک ایده ایرانی داشته باشد». چندان تأثیرگذار نبود چرا که به دلیل میل مفرط تیمورتاش به انجام این طرح، نهایتاً با اِعمال برخی تغییرات در آن، انجمن آثار ملی با طرح گدار موافقت کرد و مهندس اسماعیل اف روسی که نازلترین مبلغ را جهت اجرای طرح پیشنهاد داده بود در تیرماه سال ۱۳۰۸ ش. مامور انجام و اجرای این طرح شد. طرح گدار شامل دو بخش سکو و هرم بود که وجود سکو امکان ایجاد سطحی تخت را فراهم می‌کرد. سکو در چند مرحله و مشابه با بنای زیگوراتها ارتفاع می‌گرفت که یادآور سکوبندی در مقبره کوروش نیز بود. هر سطح از سطح زیرین کوچکتر و ارتباط بین آنها از طریق پله پیش بینی شده بود. پله‌های عریض سکوهاى اصلی ابتدا در جهت محور تقارن و سپس عمود بر آن مشابه کاخهای هخامنشی طراحی شده بود. هرم بالای سکو به شکل و تناسبات اهرام مصر شباهت داشت و

۱ - شافعی، همان، ص ۵۹.

۲ - علی‌رضا اسماعیلی، همان، ص ۱۰۲-۱۰۳.

مقبره فردوسی از توس تا سیحون، از دیروز تا امروز ۷۵

هدف این بود که عظمت شاعر به بیننده القا شود. محل قبر در دخمه‌ای در زیر سکوها قرار داشت و ظاهراً هرم بر بالای آن قرار می‌گرفت. بخش هرمی طرح گدار اگرچه بر سکویی با مشخصات معماری تاریخی و آشنای ایرانی قرار گرفته بود اما فاقد هرگونه مراجع محلی بود و به همین سبب در آغاز با نظر منفی انجمن مواجه گردید.



تصویر ۴: بنای هرمی شکل آرامگاه فردوسی بر اساس طرح آندره گدار فرانسوی که نیمه کاره رها شد

در سال ۱۳۰۹ ش. وجوه ساخت آرامگاه بر اساس طرح پیشنهادی آندره گدار به اتمام رسید و مجلس شورای ملی در همان سال قانونی را تصویب کرد که به موجب آن از صرفه‌جویی در بودجه مجلس مبلغ ۱۰ هزار تومان برای تکمیل بنای مقبره تأدیه شود. تداوم کسری بودجه، ساخت مقبره فردوسی را با مشکل جدی روبرو کرد، بطوریکه متصدیان مربوطه را مجبور به اخذ قرض از بانکها نمود. کسری بودجه و عدم پیشرفت محسوس بنا تا آنجا پیش رفت که انجمن آثار ملی به مسکوت گذاردن طرح و توقف موقتی اجرای آن در سال ۱۳۱۱ ش. رأی داد. ارباب کیخسرو در خاطرات خود از مسکوت گذاردن موقت انجام طرح اینگونه می‌گوید: «مبلغ زیادی هزینه شده بود و کار به جای قابل‌نرسیده بود و سقف ناتمام نیز شکست خورده، عمل را متوقف نموده به تهران بازگشتم و گزارشی عرضه داشتم».

بار دیگر ارباب کیخسرو از سوی انجمن ماموریت یافت تا دیگر بار با کریم طاهرزاده بهزاد در خصوص ترسیم طرحی نو برای آرامگاه فردوسی تماس برقرار نماید. بهزاد در ابتدا از پذیرش آن استنکاف نمود؛ ولی در نهایت پذیرفت تا آن طرح را آماده کند. پس از ارسال طرح جدید بهزاد که براساس مقبره کوروش و بناهای پرسپولیس تهیه شده بود، نقشه ترسیمی به اتفاق نظر اعضای سرپرستی مقبره فردوسی در مهر ماه سال ۱۳۱۲ ش. از سوی انجمن آثار ملی تصویب شد و به بهزاد ابلاغ گردید. با وجود مخالفت بهزاد، انجمن به پیشنهاد ارباب کیخسرو تصمیم گرفت تجدید عملیات اجرایی ساخت آرامگاه را به حسین لرزاده واگذار نماید. لرزاده جوان در سمت معمار و سرکارگر با کمک استاد حسین حجارباشی زنجانی مسئول تهیه سنگهای آرامگاه و تراش آنها و با مباشرت تقی درودیان تکمیل ساخت بنا را آغاز نمودند.

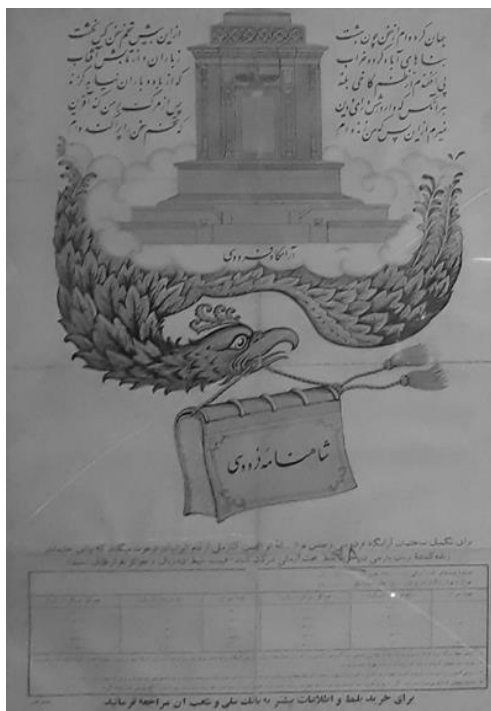
لرزاده پس از اعزام به توس آنچه را که آندره گدار فرانسوی به سبک اهرام مصر باستان ساخته بود به کلی خراب کرد و طرح جدید بهزاد را آغاز نمود. در ابتدا قرار شد ساختمان آرامگاه را از سنگهای سیاه بسازند که ازکوههای نزدیک توس به دست می آمد، اما در شروع کار تصمیم تغییرکرد و قرار شد تمام ساختمان را از سنگ سفید «معدن خلیج» بسازند که در شش فرسخی توس قرار داشت. افزایش هزینه های ساخت به علت تغییر نوع سنگها از دیگر موانع موجود در جهت تکمیل مقبره بود و کسری بودجه در این مرحله نیز نمود پیدا کرد؛ ولی در این مرحله انجمن آثار ملی وقتی می بیند که دیگر نمی تواند هزینه ساخت آرامگاه را از طریق کمک های فردی و فرهنگ دوستان و اعضای انجمن و کمکهای مالی وزارت معارف تامین کند تصمیم می گیرد دامنه اخذ کمک ها را گسترده تر نماید.

فروش بلیت بخت آزمایی

از این رو فروش بلیت های بخت آزمایی تنها کاری بود که انجمن می توانست انجام دهد تا افراد بیشتری را برای کمک به رفع هزینه های آرامگاه دعوت نماید، چرا که وجود جایزه، انگیزه خوبی برای همگان ایجاد می کرد. ناگفته نماند که تأمین مخارج از طریق دولت نیز میسر بود و تفکر غالب انجمن و مسئولان آن نیز بر این اساس بود که هزینه ساخت آرامگاه فردوسی، بزرگترین شاعر و سخنور ملی ایران که اولین فعالیت جدی انجمن تلقی می شد، حتی الامکان از

مقبره فردوسی از توس تا سیحون، از دیروز تا امروز ۷۷

مشارکت عموم هموطنان تامین شود تا هم حس میهن‌پرستی آنان بیدار و هم اهمیت مقام بزرگان درک شود.^۱



تصویر ۵: اعلامیه انجمن آثار ملی در خصوص فروش بلیت بخت‌آزمایی به منظور تکمیل آرامگاه فردوسی

بدین منظور هیئت مدیره بخت‌آزمایی به ریاست ابراهیم حکیم‌الملک، نایب رئیسی حسین علا و دبیری عیسی صدیق و عضویت ارباب کیخسرو نماینده مجلس ملی، عبدالحسین نیک‌پور رئیس اتاق بازرگانی، مصطفی فاتح معاون شرکت نفت ایران و انگلیس تشکیل شد و با کمک نمایندگان رسمی دادگستری، بانک ملی، شهرداری و شهربانی تهران جلساتی را در دانش‌سرای عالی تشکیل داد.

۱ - شهریار خانی‌زاده، هوشنگ سیحون معمار، هنرمند، نقاش، تهران: انتشارات هنر معماری قرن، ۱۳۹۴، ص ۲۴۶.

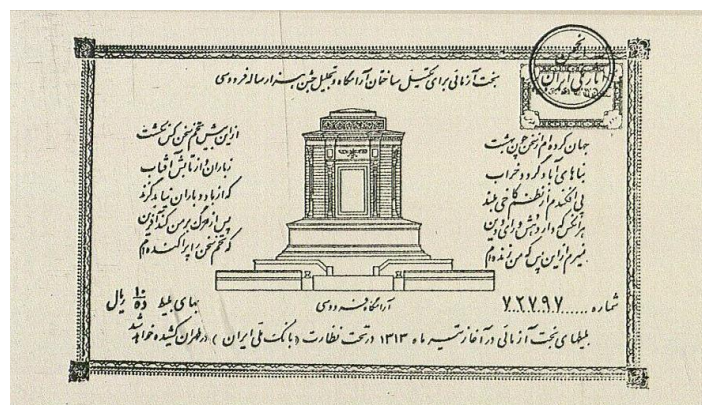


تصویر ۶: اعضای هیئت مدیره بخت آزمایی در دانشسرای عالی

فروش بلیت بخت آزمایی در نشریات سال ۱۳۱۲ ش. تبلیغ شد و در روز ۱۲ بهمن ماه همان سال محمدعلی فروغی نخست وزیر وقت در دانشسرای عالی درباره عظمت و تکریم فردوسی سخنانی به زبان راند و از فردای همان روز بلیت ها در معرض فروش قرار گرفت. از فروش این بلیت ها مبلغ ۱۶۰ هزار تومان عاید گردید که از این مبلغ به میزان ۷۰ هزار تومان در اختیار انجمن آثار ملی قرار گرفت و تا مرداد سال ۱۳۱۳ ش. به مصرف تکمیل آرامگاه رسید و به این ترتیب مدفن حکیم توس با هزینه ای بالغ بر ۱۴۰ هزار تومان ساخته شد.^۱

۱ - علی رضا اسماعیلی، همان، ص ۱۰۶.

مقبره فردوسی از توس تا سیحون، از دیروز تا امروز ۷۹



تصویر ۷: نمونه بلیت بخت آزمایی جهت تامین هزینه ساخت آرامگاه فردوسی که در سال ۱۳۱۲ منتشر شد

آغاز جشن هزاره فردوسی

همزمان با پایان یافتن ساخت آرامگاه، مقدمات برپایی جشن و کنگره بین‌المللی هزاره فردوسی با کمک مالی دولت فراهم آمد و چهل تن از خاورشناسان و فضلاء ۱۷ کشور جهان و از دانشمندان ایران از ۱۲ تا ۱۶ مهرماه سال ۱۳۱۳ ش. در مدرسه دارالفنون کنگره‌ای تشکیل دادند و سپس راهی مدفن فردوسی در توس شدند.

۸۰ فصلنامه علمی-تخصصی پژوهش در تاریخ

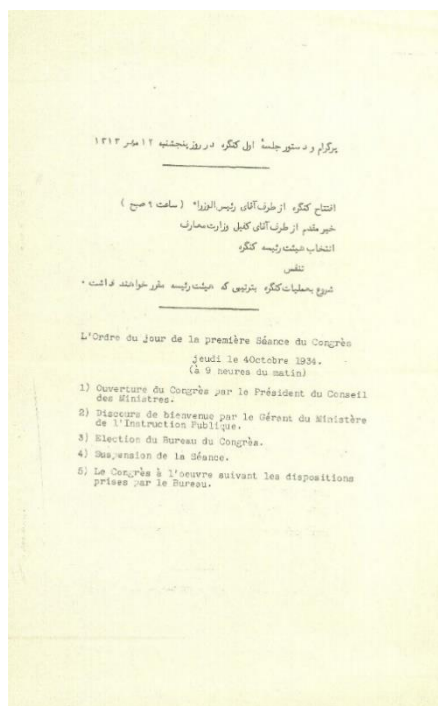


تصویر ۸: دانشمندان و خاورشناسان اعضای کنگره جشن هزاره فردوسی در دارالفنون، مهرماه ۱۳۱۳

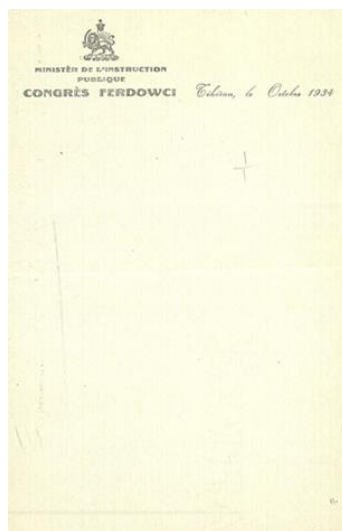
CONGRES FERDOUSI (12-14 MEHREH 1313)	
NOMS	TITRES DES MEMBRES
1. - Akhali	La Philosophie morale de Chakrabarti
2. - Agha	Abbas - Sir of Nizam in West Bengal, India
3. - Akhavan	La Média politique de Ferdowsi
4. - Akhavan	La Média politique de Ferdowsi
5. - Akhavan	La Média politique de Ferdowsi
6. - Akhavan	La Média politique de Ferdowsi
7. - Akhavan	La Média politique de Ferdowsi
8. - Akhavan	La Média politique de Ferdowsi
9. - Akhavan	La Média politique de Ferdowsi
10. - Akhavan	La Média politique de Ferdowsi
11. - Akhavan	La Média politique de Ferdowsi
12. - Akhavan	La Média politique de Ferdowsi
13. - Akhavan	La Média politique de Ferdowsi
14. - Akhavan	La Média politique de Ferdowsi
15. - Akhavan	La Média politique de Ferdowsi
16. - Akhavan	La Média politique de Ferdowsi
17. - Akhavan	La Média politique de Ferdowsi
18. - Akhavan	La Média politique de Ferdowsi
19. - Akhavan	La Média politique de Ferdowsi
20. - Akhavan	La Média politique de Ferdowsi
21. - Akhavan	La Média politique de Ferdowsi
22. - Akhavan	La Média politique de Ferdowsi
23. - Akhavan	La Média politique de Ferdowsi
24. - Akhavan	La Média politique de Ferdowsi
25. - Akhavan	La Média politique de Ferdowsi
26. - Akhavan	La Média politique de Ferdowsi
27. - Akhavan	La Média politique de Ferdowsi
28. - Akhavan	La Média politique de Ferdowsi
29. - Akhavan	La Média politique de Ferdowsi
30. - Akhavan	La Média politique de Ferdowsi
31. - Akhavan	La Média politique de Ferdowsi
32. - Akhavan	La Média politique de Ferdowsi
33. - Akhavan	La Média politique de Ferdowsi
34. - Akhavan	La Média politique de Ferdowsi
35. - Akhavan	La Média politique de Ferdowsi
36. - Akhavan	La Média politique de Ferdowsi
37. - Akhavan	La Média politique de Ferdowsi
38. - Akhavan	La Média politique de Ferdowsi
39. - Akhavan	La Média politique de Ferdowsi
40. - Akhavan	La Média politique de Ferdowsi
41. - Akhavan	La Média politique de Ferdowsi
42. - Akhavan	La Média politique de Ferdowsi
43. - Akhavan	La Média politique de Ferdowsi
44. - Akhavan	La Média politique de Ferdowsi
45. - Akhavan	La Média politique de Ferdowsi
46. - Akhavan	La Média politique de Ferdowsi
47. - Akhavan	La Média politique de Ferdowsi
48. - Akhavan	La Média politique de Ferdowsi
49. - Akhavan	La Média politique de Ferdowsi
50. - Akhavan	La Média politique de Ferdowsi
51. - Akhavan	La Média politique de Ferdowsi
52. - Akhavan	La Média politique de Ferdowsi
53. - Akhavan	La Média politique de Ferdowsi
54. - Akhavan	La Média politique de Ferdowsi
55. - Akhavan	La Média politique de Ferdowsi
56. - Akhavan	La Média politique de Ferdowsi
57. - Akhavan	La Média politique de Ferdowsi
58. - Akhavan	La Média politique de Ferdowsi
59. - Akhavan	La Média politique de Ferdowsi
60. - Akhavan	La Média politique de Ferdowsi
61. - Akhavan	La Média politique de Ferdowsi
62. - Akhavan	La Média politique de Ferdowsi
63. - Akhavan	La Média politique de Ferdowsi
64. - Akhavan	La Média politique de Ferdowsi
65. - Akhavan	La Média politique de Ferdowsi
66. - Akhavan	La Média politique de Ferdowsi
67. - Akhavan	La Média politique de Ferdowsi
68. - Akhavan	La Média politique de Ferdowsi
69. - Akhavan	La Média politique de Ferdowsi
70. - Akhavan	La Média politique de Ferdowsi
71. - Akhavan	La Média politique de Ferdowsi
72. - Akhavan	La Média politique de Ferdowsi
73. - Akhavan	La Média politique de Ferdowsi
74. - Akhavan	La Média politique de Ferdowsi
75. - Akhavan	La Média politique de Ferdowsi
76. - Akhavan	La Média politique de Ferdowsi
77. - Akhavan	La Média politique de Ferdowsi
78. - Akhavan	La Média politique de Ferdowsi
79. - Akhavan	La Média politique de Ferdowsi
80. - Akhavan	La Média politique de Ferdowsi
81. - Akhavan	La Média politique de Ferdowsi
82. - Akhavan	La Média politique de Ferdowsi
83. - Akhavan	La Média politique de Ferdowsi
84. - Akhavan	La Média politique de Ferdowsi
85. - Akhavan	La Média politique de Ferdowsi
86. - Akhavan	La Média politique de Ferdowsi
87. - Akhavan	La Média politique de Ferdowsi
88. - Akhavan	La Média politique de Ferdowsi
89. - Akhavan	La Média politique de Ferdowsi
90. - Akhavan	La Média politique de Ferdowsi
91. - Akhavan	La Média politique de Ferdowsi
92. - Akhavan	La Média politique de Ferdowsi
93. - Akhavan	La Média politique de Ferdowsi
94. - Akhavan	La Média politique de Ferdowsi
95. - Akhavan	La Média politique de Ferdowsi
96. - Akhavan	La Média politique de Ferdowsi
97. - Akhavan	La Média politique de Ferdowsi
98. - Akhavan	La Média politique de Ferdowsi
99. - Akhavan	La Média politique de Ferdowsi
100. - Akhavan	La Média politique de Ferdowsi

تصویر ۹: فهرست سخنرانان و موضوعات مورد سخنرانی در جشن هزاره فردوسی

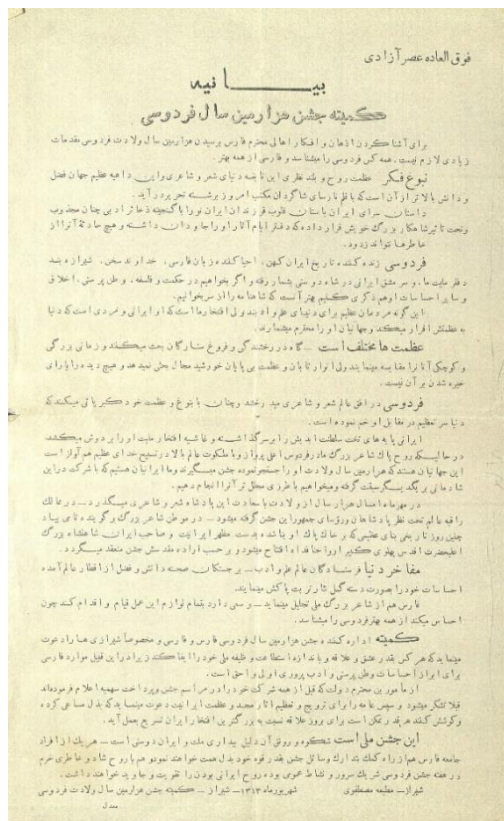
مقبره فردوسی از توس تا سیحون، از دیروز تا امروز ۸۱



تصویر ۱۰: دستور جلسه نخستین روز آغاز جشن هزاره فردوسی در تهران مهرماه ۱۳۱۳



تصویر ۱۱: سربرگ چاپی اختصاصی وزارت معارف با عنوان جشن هزاره فردوسی در مهرماه ۱۳۱۳

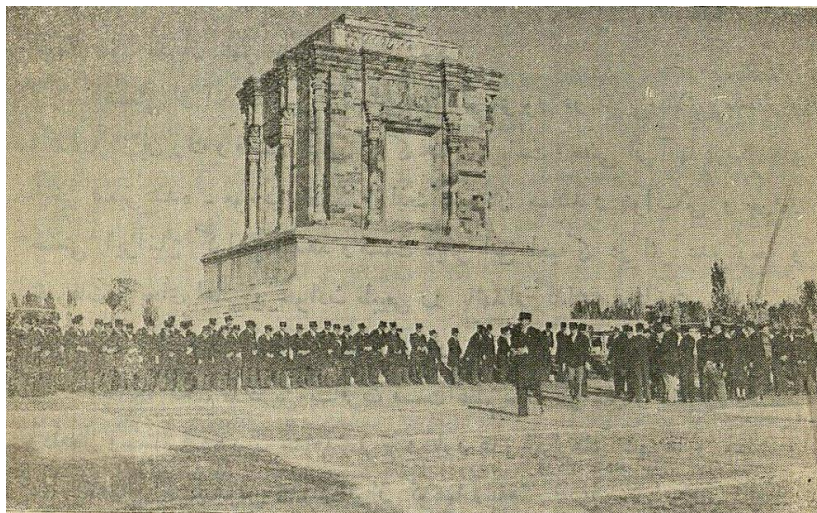


تصویر ۱۲: بیانیه کمیته جشن هزارمین سال فردوسی

مقبره فردوسی با حضور رضا شاه، هیئت موسسین انجمن آثار ملی، محققین خارجی و مسئولین داخلی در ۲۰ مهرماه سال ۱۳۱۳ش. به طور رسمی گشایش یافت. جشن هزاره فردوسی و آیین گشایش آرامگاه فردوسی، یکی از رویدادهای مهم فرهنگی قرن و بدون تردید، مهمترین و علمی‌ترین کنگره‌ای بود که در ایران معاصر برگزار شد، چرا که مشاهیر فرهنگ و

مقبره فردوسی از توس تا سیحون، از دیروز تا امروز ۸۳

ادب که در آن گرد آمده بودند، هیچگاه و در هیچ جای دیگر جهان معاصر، کنار هم ننشسته بودند.^۱



تصویر ۱۳: آیین گشایش آرامگاه فردوسی با حضور مستشرقین و مشاهیر داخلی و خارجی، مهرماه ۱۳۱۳

تلگراف زیر در روز ۲۱ مهرماه همان سال در خصوص گشایش آرامگاه فردوسی در نشریات انتشار یافت: «الساعة که ساعت پنج بعد از ظهر روز جمعه بیستم مهر است مراسم جشن افتتاح آرامگاه فردوسی خاتمه پذیرفت. سرزمین توس امروز بهترین و با افتخارترین ساعات را به خود دید. آرامگاه با عظمت فردوسی به ارتفاع هجده متر و از چهل متر مربع زمین از سنگهای ذی قیمت مرمر صیقلی شده معدن خلیج بالا رفته...».

۱ - محمدجعفر یاحقی، زهرا سید یزدی، «فروغی و فردوسی»، گوهر گویا، ۱۳۸۶، دوره ۱، شماره ۲.



تصویر ۱۴: متن تلگراف ارسالی از توس به مناسبت گشایش آرامگاه فردوسی مندرج در روزنامه اطلاعات شماره

۲۳۱۲

بازسازی مقبره حکیم توس

با وجود مرااتهای فراوانی که برای ساخت این بنا کشیده شد، بر اثر آشنا نبودن سازندگان آن به فنون آزمایش خاک و محاسبه سنگینی آن بنای عظیم و عدم اطلاع از وجود آبهای زیرزمینی ناحیه توس، ناستواری بنا از همان سال‌های نخست آشکار شد و با اینکه ظرف ۳۰ سال

مقبره فردوسی از توس تا سیحون، از دیروز تا امروز ۸۵

چندین مرتبه عملیات کانال‌سازی و زه‌کشی انجام پذیرفت و قسمت فوقانی بنا از زواید تخلیه شد، لیکن بازهم فرونشست ساختمان ادامه یافت.^۱

در اردیبهشت سال ۱۳۲۷ش. آقای بدر، نایب‌التولیه آستان قدس در نامه‌ای به رئیس هیئت موسسین انجمن آثار ملی نوشت که به منظور تعمیر آرامگاه فردوسی و دیگر اقداماتی که برای حفظ آثار ارجمند ملی در خراسان لازم است، می‌بایست شعبه انجمن آثار ملی در خراسان تاسیس شود، هرچند ایجاد این شعبه از انجمن در مشهد و اقدامات ترمیمی آن در این سالها چندان موثر واقع نشد. در تیرماه سال ۱۳۴۲ش. تیمسار امیر عزیزی استاندار خراسان در نامه‌ای به انجمن آثار ملی چنین نوشت که مسافران و زائرانی که از آرامگاه فردوسی دیدن می‌کنند، به‌طور حضوری و یا تلفنی وضع نامناسب آن را به وی یادآور شده و خواستار پیگیری مسئولان می‌شوند. در آذرماه سال ۱۳۴۲ش. اداره کل باستان‌شناسی در نامه‌ای به انجمن مخالفت خود را با طرح بازسازی اعلام و دلیل خود را پی‌سست و زمین غیرمقاوم آن محل بیان کرد و صرف هرگونه هزینه را صرفاً اتلاف منابع مالی توصیف کرد، مگر آنکه صفحات عریض بتن آرمه در زیر بنا تعبیه شود و نمای آرامگاه تغییر نکند.

انجمن آثار ملی پس از اتمام احداث آرامگاه نادر شاه و خیام در سال ۱۳۴۳ش. یعنی سی سال بعد از ساخت آرامگاه فردوسی طرح بازسازی آن را در دستور کار قرار داد و از مهندس هوشنگ سیحون و حسین جودت خواست تا طرحی نو در این خصوص تهیه نمایند به گونه‌ای که هیأت خارجی بنا حفظ و در عین حال استواری آن در نظر گرفته شود. در تاریخ ۲۵ خرداد سال ۱۳۴۳ش. قراردادی مابین هوشنگ سیحون، استاد برجسته رشته معماری و رئیس دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران از یک سو و انجمن آثار ملی از دیگر سو برای بازسازی بنای آرامگاه فردوسی و طراحی فضای پیرامونی آن منعقد شد. بنابر این قرارداد، هوشنگ سیحون موظف به احقاق مواردی بود که برخی از آنها عبارتند از:

۸۶ فصلنامه علمی-تخصصی پژوهش در تاریخ

- طرح، نقشه‌های مقدماتی و قطعی پروژه را طبق برنامه در توافق در سررسیدهای مقرر مستقیماً به انجمن یا با اجازه انجمن به مقاطعه کار که شرکت کا.ژ.ت بود که با مبلغ ۳۵۶۲۹۰۰ ریال برنده مناقصه شده بود تحویل دهد.

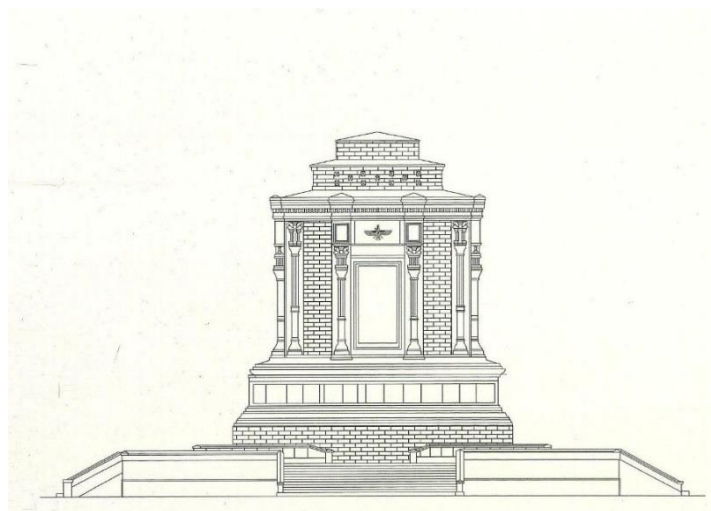
- فهرست جامعی از مقادیر قطعی کار و مشخصات بنا و همچنین برآوردی از هزینه کارها برای مقایسه با پیشنهادها را تهیه کرده و با نقشه‌های قطعی پروژه ظرف مدت چهار هفته از تاریخ قرارداد تسلیم انجمن نماید.

- با توجه به تخریب بنای قبلی آرامگاه و استفاده از سنگ‌های نمای آن در طرح بازسازی، نهایت دقت را در نظارت، جمع‌آوری و شماره‌گذاری آن سنگها به کار برده تا حفظ و استفاده دوباره آنها به سهولت و بدون اشکال صورت پذیرد.

- مسئولیت تعیین یک ناظر تمام وقت، نظارت بر اجرا و بازدید از پروژه توسط هوشنگ سیحون در هر ماه و ارائه گزارش ماهانه به دفتر انجمن از روند پیشرفت کار.

- رسیدگی به صورت وضعیت‌های موقت گواهی پرداخت‌ها و غیره.

بازسازی از اواخر سال ۱۳۴۳ش. آغاز شد و پس از عکس‌برداری و شماره‌گذاری سنگها، زیرزمینی به عمق پنج و طول و عرض ۳۰ متر حفر شد و در سراسر آن صفحه بتن آرمه تعبیه شد، در نتیجه سکوی انباشته پیشین به تالاری با وسعت ۹۰۰ متر مربع تبدیل شد. ارتفاع محوطه اتاق کوچک همانند سابق حفظ شد، ولی به کاشی‌کاری‌های زیبا مزین شد. ساختمان فعلی آرامگاه در نماهای بیرونی برگرفته از معماری هخامنشیان و آرامگاه کوروش است و فضای داخلی نیز از معماری دوره اشکانی و اسلامی اقتباس شده است. بنا از چهار سمت دارای پله است و بدنه آن با سنگ مرمر و اشعار فردوسی به خط نستعلیق و هنرمندی عمادالکتاب نگارش و نشان فروهر اهورامزدا با نقش برجسته تزئین شده است، ضمن اینکه این آثار تزئینی از زمان ساخت اولیه بنا حفظ شده‌اند.



تصویر ۱۵: نمای جنوبی آرامگاه فردوسی

در سال ۱۳۴۵ ش. و طی روند بازسازی و توسعه باغ و محوطه آن، موسی و عیسی قائم مقامی فرزندان قائم مقام التولیه و حسین ملک از چهره های فرهنگ دوست و نیکوکار، زمین های مورد نیاز را برای افزایش مساحت باغ و شکوه این مکان به انجمن اهدا کردند بطوری که در نهایت مساحت ساخت آرامگاه و باغ پیرامون آن به ۵۶۷۵۳ متر مربع دراختیار انجمن و طراحان آن قرار گرفت و نتیجتاً مساحت خود محوطه باغ به ۲۷ هزار متر مربع افزایش یافت.

ورودی بنا از سمت غرب دارای دو رشته پلکان با ۲۲ پله جدید به صورت متقابل و در راستای شمالی - جنوبی بوده و از سنگ گرانیت مشهد بنا شده اند که بر روی دیوار آنها شش نقش برجسته، شامل تصاویر ورود پادشاه هندوستان به دربار ایران، دو نفر از سپهبدان در حضور شاه ساسانی، تصویر داریوش بزرگ، پیکار رستم، جنگ دلاوران ایران و توران و نیز نبرد رستم و سهراب مشاهده می شود. در زیر این دو رشته پلکان، دو اتاقک وجود دارد که کاربرد تأسیساتی و خدماتی دارند. درب ورودی از برنز و شیشه است و بر سردر ورودی به خط نستعلیق، ابیاتی از جلال الدین همایی نوشته شده است، ابیاتی که از میان ۲۴ قصیده ارسالی از سوی شرکت کنندگان در مسابقات مربوط به آرامگاه فردوسی مقام نخست را کسب کرد.

۸۸ فصلنامه علمی-تخصصی پژوهش در تاریخ

جلوه عرش است این درگه کلاه از سر بنه وادی طور است اینجا موزه از پایت بکن
مرقد استاد توس است این به خاکش جبه ساز مدفن فردوسی است این بر زمینش بوسه زن

در داخل ساختمان، ۲۰ ستون مرمری در قسمت پایین و هشت ستون در قسمت بالا وجود دارد. در کاشی‌کاری معرق زیر سقف از طرح‌های تزیینی دوران زندگانی فردوسی و در بدنه‌های فوقانی از طرح‌های کاشی‌های ادوار باستانی مقارن با داستان‌های شاهنامه اقتباس شده است. در وسط تالار، سکوی دیگری به اضلاع سه متر و ارتفاع ۳۰ سانتیمتر وجود دارد که بر روی آن سنگ قبر فردوسی قرار دارد، سنگی یکپارچه به طول یک و نیم متر و عرض ۸۰ سانتیمتر که البته همان سنگی است که در سال ۱۳۱۳ ش. بر روی مدفن حکیم توس گذاشته شده بود.^۱



تصویر ۱۶: بنای آرامگاه فردوسی بازسازی شده توسط مهندس سیحون

مقبره فردوسی از توس تا سیحون، از دیروز تا امروز ۸۹

بر روی دیوارهای داخلی شش قطعه به صورت حجاری و نقش برجسته سنگی مشاهده می‌شود که داستان‌هایی از شاهنامه از قبیل پیکار رستم و اشکبوس، جنگ ایرانیان و تورانیان، نبرد رستم و سهراب، داریوش هخامنشی، پناه آوردن پادشاه هند به دربار ساسانی، رفتن رستم به نزد کیکاووس، جنگ رستم با پیلتن مازندران، جنگ رستم با اژدها و دیو سفید را روایت می‌کنند. این آثار توسط فریدون صدیقی فرزند ابوالحسن صدیقی طراحی و بر دیواره‌های مقبره فردوسی نصب شده‌اند.



تصویر ۱۷: داستانی از شاهنامه، طراحی و نصب از فریدون صدیقی در تالار مرکزی آرامگاه فردوسی

تندیس حکیم توس که در نزدیکی آرامگاه نصب شده از سنگی یکپارچه می‌باشد که به‌دست هنرمندانه استاد ابوالحسن صدیقی با ظرافت و مهارت تمام تراش خورده است. در باغ پیرامون مقبره نیز ساختمانهای دیگری احداث شدند. در شمال شرقی باغ، هفت عمارت دو اتاقه برای کارکنان و عمارتی سه اتاقه برای مدیریت تعبیه شد و همچنین دو گلخانه، موتورخانه کوچک، یک چاه نیمه عمیق و یک منبع آب برای آبیاری فضای سبز در شمال باغ ساخته شد. در شرق

۹۰ فصلنامه علمی-تخصصی پژوهش در تاریخ

باغ نیز یک مهمان‌سرا به صورت سرپرده و شاه‌نشین در اندازه چهارصد مترمربع بنا گردید و در زیر آن فضاهای خدماتی ساخته شد. در جنوب شرقی، چهار عمارت دو اتاقه مجهز به وسایل زندگی و فضاهای خدماتی کامل برای پذیرایی از مهمانان خصوصی بنا شد و دفتر نگهبانی نیز در همین سمت قرار گرفت. در سمت غربی علاوه بر ساختمانهای خدمات و سرویس نگهبانان یک آسایشگاه به صورت دژ با پانزده جایگاه نیز برای بازدیدکنندگان ساخته شد تا به منظور استراحت و بازیابی انرژی، رایگان در اختیار بازدیدکنندگان قرار گیرد. در جنوب غربی آرامگاه نیز تالار پذیرایی و یک کتابخانه احداث گردید و فرش نفیسی به مساحت سی و هفت متر مربع در تالار پذیرایی و فرشی دیگر با یک متر کمتر در کتابخانه پهن گردید.

در باغ یازده باغچه مُطَبَق وجود دارد که پنج باغچه آن در شرق و مابقی در سمت غربی هستند. استخر با سه فواره خود ۳۰۰ مترمربع اندازه دارد و هشت آب‌نمای دیگر نیز در اطراف باغ وجود دارند که طراوت و شادابی مضاعفی به این فضا می‌بخشند. آبیاری و روشنایی محوطه با خرید دو موتور برق قوی، کابل‌کشی، حفر چاه نیمه عمیق، لوله‌کشی آب و نصب نورافکن به صورتی رضایت‌بخش محقق شد.



تصویر ۱۸: مقبره فردوسی و آب‌نمای پیرامونی آن پس از بازسازی توسط مهندس سیحون

در ۲۹ آبان سال ۱۳۴۶ ش. نامه‌ای از طرف انجمن آثار ملی به آقای بهادری نماینده انجمن در خراسان ارسال شد و در آن نوشته شده بود که بنا به گزارش‌های ارسالی به انجمن، کار در مرحله نصب سنگهای اطراف قبر پیش می‌رود و لازم است تا استخوانهای فردوسی به محل قبر انتقال داده شوند و صورت مجلس آن به انجمن ارسال گردد. بر اساس صورت مجلسی که یک ماه بعد، از توس به انجمن آثار ملی ارسال شد، دستور انجمن مبنی بر انتقال استخوانهای باقیمانده از حکیم توس که در سال ۱۳۳۴ ش. به وسیله کمیسیون ویژه از مقبره سابق برداشته شده بود و در صندوقی محافظت می‌شد در آذرماه سال ۱۳۴۶ ش. با حضور مقامات محلی و استانی از جمله ابوالفضل شاهرخی نماینده استاندار خراسان، سید محمد واعظ خراسانی

۹۲ فصلنامه علمی-تخصصی پژوهش در تاریخ

محدث و واعظ آستان قدس، محمد طاهر بهادری نماینده انجمن در خراسان و گیو جودت نماینده شرکت مقاطعه‌کاری کا.ژ.ت و طی تشریفات مذهبی در مقبره جدید که روی همان محل قبلی احداث شده بود به خاک سپرده شد. گرچه ساخت کامل پروژه و طرح توسعه تا سال ۱۳۴۸ ش. به طول انجامید اما بنای آرامگاه در روز دهم اردیبهشت سال ۱۳۴۷ ش. با حضور دولتمردان، مسئولین استانی و محلی، مهندسان طراح و دست‌اندرکاران ساخت رسماً گشایش یافت.^۱

منابع

- ۱- اسماعیلی، علیرضا، «معماری دوره پهلوی به روایت اسناد»، گلستان هنر، ۱۳۸۵، شماره ۳، ص ۹۹-۱۱۰.
- ۲- بحرالعلوم، حسین، کارنامه انجمن آثار ملی از آغاز تا ۲۵۳۵ شاهنشاهی، تهران: انتشارات انجمن آثار ملی، ۱۳۵۵.
- ۳- خانی‌زاده، شهریار، هوشنگ سیحون معمار، هنرمند، نقاش، تهران: انتشارات هنر معماری قرن، ۱۳۹۴.
- ۴- دانیل، ویکتور؛ شافعی، بیژن؛ سروشیانی، سهراب، معماری آندره گدار، تهران: انتشارات ایبانه، ۱۳۹۴.
- ۵- روزنامه اطلاعات، (۱۳۱۳). شماره ۲۳۱۲.
- ۶- ریاحی، محمد امین، سرچشمه‌های فردوسی‌شناسی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۸۲.

مقبره فردوسی از توس تا سیحون، از دیروز تا امروز ۹۳

۷- زندگینامه و خدمات علمی و فرهنگی ارباب کیخسرو شاهرخ، تهران: انتشارات انجمن آثار ملی، ۱۳۸۸.

۸- ساکت، سلمان، فرزانه توس، تهران: انتشارات همشهری، ۱۳۸۹.

۹- سالنامه دانش سرای عالی. (۱۳۱۳-۱۳۱۴).

۱۰- شاپور شهبازی، علیرضا، «جشن هزاره فردوسی»، ترجمه سلمان ساکت، پاژ، ۱۳۸۷، شماره ۴.

۱۱- شاپور شهبازی، علیرضا، «آرامگاه فردوسی»، ترجمه سلمان ساکت، کتاب ماه ادبیات، ۱۳۸۸، شماره ۱۳۹.

۱۲- شافعی، بیژن، معماری طاهرزاده بهزاد، تهران: انتشارات دید، ۱۳۸۴.

۱۳- «شاهنامه فردوسی حماسه جهانی»، مجموعه سخنرانیهای جشن طوس، ۱۳۵۶.

۱۴- صدیقی، عیسی «چگونه آرامگاه فردوسی به وجود آمد؟»، مجله وحید، ۱۳۵۴، شماره ۱۸۸.

۱۵- عظیمی حسینی، سید رضا، «سیری در خرد و اندیشه حکیم ابوالقاسم فردوسی»، روزنامه اطلاعات، ۱۳۹۳، شماره ۲۶۰۱۸.

۱۶- فردوسی نامه مزدیسنان، ۱۳۲۵، شماره ۱.

۱۷- فریزر، جی بی، سفرنامه فریزر معروف به سفر زمستانی، تهران: انتشارات توس، ۱۳۶۴.

۱۸- کرزن، جورج ناتانیل، ایران و قضیه ایران، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۸۰.

۱۹- مجله ارمغان. (۱۳۰۴). شماره ۳ و ۴.

۲۰- مجله ایرانشهر. (۱۳۰۴)، شماره ۱۰.

۲۱- محمدزاده، فاطمه، «پشت پرده ساخت آرامگاه فردوسی به روایت اسناد»، پاژ، ۱۳۹۶، شماره ۲۶.

۹۴ فصلنامه علمی-تخصصی پژوهش در تاریخ

۲۲- معین، محمد، فرهنگ فارسی، ج ۶. تهران: انتشارات امیرکبیر، ۱۳۷۱.

۲۳- یاحقی، محمد جعفر؛ سید یزدی، زهرا، «فروغی و فردوسی»، گوهر گویا، ۱۳۸۶، شماره ۲ دوره ۱.

۲۴- یادنامه فردوسی، تهران: انجمن آثار ملی، ۱۳۴۹.